

## معیارهای مشروعیت آیین‌های تکریم اهل بیت علیهم‌السلام

حجت‌الله بیات \*

### چکیده

آیین‌ها در هر فرهنگی، فرصتی برای عینیت بخشیدن به باورها، ارزش‌ها و هنجارهایی هستند که مردم در آن فرهنگ آموخته‌اند و به آن اعتقاد دارند. آیین‌های مذهبی، سهم مهمی از آیین‌های هر فرهنگی را به خود اختصاص داده، در فرهنگ اسلامی، به‌ویژه شیعی، آیین‌های تکریم اهل بیت علیهم‌السلام جایگاه خاصی در بین آیین‌های مذهبی دارند و به عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی - فرهنگی به شمار می‌روند.

اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام که در فرهنگ اسلامی از جایگاه و قداست والایی برخوردارند، باید همواره از سوی مسلمانان گرامی داشته شوند. بزرگداشت این شخصیت‌های مقدس، در قالب آیین‌هایی است که به مناسبت: اعیاد و وفیات، توسلات، تبرکات، زیارات و یادمان‌های مربوط به ایشان برگزار می‌شود.

این سرمایه فرهنگی، به دلیل پویایی فرهنگ، همواره در حال تحول و توسعه است؛ اما همچون سایر اندوخته‌های اجتماعی، نیازمند صیانت و پیشگیری از آفت‌زدگی است. شکی نیست که این آیین‌ها باید در چارچوب معیارهای شرعی اجرا شوند.

برای مصون ماندن از برخورد سلیقه‌ای و غیرکارشناسانه با تحولات و توسعه‌های فرهنگی در آیین‌های تکریم، به تعیین شاخص‌هایی نیازمندیم. این مقاله، می‌کوشد معیارهای مشروعیت آیین‌های تکریم اهل بیت علیهم‌السلام را با استفاده از آیات و روایات استخراج نماید. این معیارها عبارت‌اند از: همسویی با باورهای توحیدی، مطابقت با احکام و ضوابط شرعی، استواری محتوایی و ساختاری، نشانگر زینت و سربلندی اهل بیت علیهم‌السلام، انطباق با فطرت و عقل، هماهنگی با سیره صالحان، مبتنی بر معرفت و آگاهی، تناسب با شأن اهل بیت علیهم‌السلام، توجه به امکان سوءاستفاده دشمنان، هم‌آوایی با هنجار و عرف جامعه.

### کلیدواژه‌گان

فرهنگ، مقدسات، اهل بیت علیهم‌السلام، آیین، تکریم، معیار.



## مقدمه

واژه «اهل بیت»، ریشه‌ای قرآنی دارد و خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فرهنگ اسلامی، از جایگاه والایی برخوردارند. از این رو، تکلیف شرعی مسلمانان در دو حکم و جوهر تکریم و حرمت توهین به ایشان، در جای جای فقه اسلامی مطرح شده است. بر اساس دلایل قرآنی و روایی و از منظر فقه اسلامی، مصداق مسلم اهل بیت علیهم السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عترت او هستند که از ویژگی عصمت بهره‌مندند. اینان در پیشگاه خداوند، مقام ویژه‌ای دارند؛ تاجایی که بر هر مسلمانی واجب است، در هر موقعیتی حرمت آنان را نگهدارد و از هر جسارتی به ساحت قدسی ایشان پرهیزد.

بر این پایه، آیین‌های مذهبی، به‌ویژه آیین‌های بزرگداشت اهل بیت علیهم السلام و همچنین چگونگی برگزاری آنها از صدر اسلام، خاصه در عصر پیشوایان معصوم علیهم السلام، پیوسته مورد توجه ایشان و مسلمانان بوده است. از این رو، بخشی از معارف اسلامی در سه لایه: «عقاید»، «اخلاق» و «احکام»، با نگاهی اثباتی، عهده‌دار تثبیت و توسعه حدود الهی است و با نگاهی سلبی، بیانگر پیشگیری از ورود آفت‌ها یا اصلاح آسیب‌های احتمالی در آیین‌های مذهبی، به‌خصوص آیین‌های بزرگداشت اهل بیت علیهم السلام است.

سیره اهل بیت علیهم السلام نشان می‌دهد که ایشان در کنار تلاش برای حفظ آیین‌ها، توصیه‌ها و اقدام‌های علمی و عملی متنوعی هم برای پیشگیری و اصلاح آسیب‌های آنها انجام داده‌اند. در عصر غیبت نیز مرزبانان حریم شریعت در ادامه راه اهل بیت علیهم السلام، افزون بر حفظ و توسعه آیین‌ها در چارچوب آموزه‌های قرآن و عترت در عصر غیبت، از هیچ تلاشی برای پیشگیری از ورود آفت‌ها و اصلاح آسیب‌های وارد شده در این زمینه، دریغ نکرده‌اند.

در این میان، در هیچ‌یک از فرقه‌های اسلامی به اندازه شیعه بر لزوم تکریم اهل بیت علیهم السلام و پرهیز از توهین به ایشان تأکید نشده است. اعتقاد به امامت و ولایت ایشان و نسبت آنان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، سبب شده است برگزاری آیین‌های تعظیم آنان، در حوزه دین و مذهب سهم بسزایی داشته باشد و از عناصر اصلی هویت‌ساز فرهنگ اسلام شیعی شناخته شود.

سوگمندان، باید گفت آیین‌های تکریم اهل بیت علیهم السلام که از مهم‌ترین برنامه‌های فرهنگی است، همواره در معرض آسیب‌هایی بوده و به‌خصوص امروزه، این سرمایه گران‌سنگ، با خطری جدی



روبه‌رو شده است.

لازمه هر نوع آسیب‌شناسی، تعیین معیارهایی است که افراد بتوانند بر مبنای آنها و در حدّ توان، سطح اهمیت آسیب‌ها را تشخیص دهند و به وظیفه خود در قبال پیشگیری و اصلاح آنها بپردازند.

۵۱



از آنجاکه آیین‌های مذهبی، به مثابه سرمایه ارزشمند اجتماعی، همواره در معرض آسیب‌هایی بوده و خواهد بود، تعیین معیارهای آیین مطلوب و شناخت انواع آنها و همچنین دلایل، ریشه‌ها و روش‌های پیشگیری و اصلاح آسیب‌ها، از مهم‌ترین وظایف متولیان امور فرهنگی - اسلامی است.

قرآن و عترت علیهم‌السلام در کنار بیان باورها و ارزش‌های الهی، معیارهایی را نیز برای تشخیص مؤمنان واقعی از مدعیان ایمان برشمرده‌اند؛ مثلاً قرآن کریم برای راستی‌آزمایی توحید و واقعی بودن محبت مؤمنان، پیروی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را ملاک دانسته است؛ «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل‌عمران: ۳۱).

بنابراین، کسی نمی‌تواند بی‌آنکه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیروی کند، ادعای بندگی و محبت به خدا را داشته باشد. از نگاه قرآن کریم، هیچ‌چیزی ارزش برابری و همپایی اجر رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را ندارد و تنها مودت اهل‌بیت علیهم‌السلام، مزد پیامبری آن حضرت و معیار مسلمانی است؛ «ذَلِكَ الَّذِي يُبْتَسَّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳).

این مقاله، در صدد ارائه معیارهای مشروعیت آئین‌های تکریم اهل‌بیت علیهم‌السلام است تا بتوان به کمک آنها آسیب‌هایی را که به این برنامه‌ها وارد می‌شود، بهتر تشخیص داد.

## مفهوم‌شناسی

### الف. اهل‌بیت

«اهل‌بیت»، واژه‌ای قرآنی است. با آنکه درباره مصادیق اهل‌بیت در آیه ۳۳ سوره احزاب اقوال گوناگونی وجود دارد (طبرسی، ۱۳۷۳، ج ۷، ص ۵۵۸-۵۵۹)، طبق شواهد فراوانی معتبر از اهل‌تسنن، مقصود از اهل‌بیت پیامبر در آیه یادشده، افزون بر خود آن حضرت، امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام است (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۶۰۳-۶۰۶)؛ اما



سایر ائمه اطهار علیهم السلام را نیز که مقام عصمت و امامت دارند، دربرمی گیرد؛ همچنان که پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر به این موضوع تصریح نموده است (حرعاملی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۳۱۱، ۴۷۶، ۵۸۴ و ۶۰۱؛ همان، ج ۴، ص ۱۶۶ و ۴۷۲).

قرآن کریم، برای اهل بیت علیهم السلام ویژگی هایی را بیان می کند که با توجه به این ویژگی ها، مقام قدسی آنها روشن، تکریم ایشان واجب و توهین به آنان در هر قالبی، خواه مستقیم یا غیر مستقیم، حرام است. تکریم اهل بیت علیهم السلام، از دایره این افراد خاص و دارای مقام عصمت فراتر می رود و اشیا و افراد منتسب، به ویژه فرزندان ایشان را نیز شامل می شود.

### ب. آیین

«آیین»<sup>۱</sup>، در لغت به معنای: رسم، عادت، متداول، مرسوم، شیوه، کردار، قاعده، قانون، زینت، تشریفات، نهاد، فطرت و جشن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۳، ص ۱۸۸۲۶). آیین ها، از عناصر محسوس فرهنگ اند که افزون بر ریشه داشتن در عناصر معنوی، می توانند فرصتی مناسب برای تجلی دیگر عناصر فرهنگی و تکریم مقدسات باشند.

واژه «آیین»، در ابتدا به معنای آداب و رسوم بود. سپس، به رسوم دینی اختصاص یافت. از این رو، می توان گفت مراسم آیینی، نوع خاصی از رفتار است که جامعه آن را پذیرفته و به گونه ای میان افراد آن جامعه و امور قدسی و معنوی ارتباط برقرار می کند.

با بررسی ادیان مختلف می توان دریافت که اعتقاد به امری قدسی و فراطبیعی، از اصول مشترک تمام آنهاست؛ به طوری که پیامبر هر دین، خود را فرستاده آن موجود مقدس می داند و پیام هایی را که بیشتر، اندیشه های آن دین به شمار می آیند، از جانب او به مردم ابلاغ می کند (ر.ک: روح الامینی، ۱۳۷۶، ص ۱۹-۲۹).

این پیام ها که مجموعه ای از آموزه های اعتقادی، اخلاقی و رفتارهای خاص را دربرمی گیرد، باعث شکل گیری الگوی زندگی پیروان آن مذهب می شود. سپس، در صورت درست اجرا شدن، تعالی و تکامل روحی افراد را به دنبال دارد، به روابط میان اعضای جامعه معنا می بخشد و آن را نظام مند می کند.

از طرفی، آموزه های دینی باید به گونه ای به پیروان ادیان مختلف آموزش داده شود. اجرایی کردن

1. Ritual.

این آموزه‌ها، در مراسم خاصی است که از آن با عنوان «مناسک آیینی»<sup>۱</sup> یاد می‌شود. بنابراین، آیین‌ها وسیله اجرایی کردن آموزه‌ها و دستورهای دینی و مذهبی در هر جامعه‌ای است و از آنجاکه این دستورها، بیشتر شامل آموزه‌های اخلاقی و تعدیل‌کننده افراط و تفریط‌های رفتاری برای اعضای جامعه است، به روشنی می‌توان جایگاه و نوع رابطه آیین را با دیگر عناصر فرهنگ دریافت.

در منابع دینی، از آیین‌های مذهبی با عنوان سُنَن، شعائر و مناسک یاد شده است؛ از جمله:

- «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (نساء: ۲۶)؛

- «ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْكُمْ شُعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲)؛

- «لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ...» (حج: ۶۷).

### ج. تکریم

«تکریم»، ریشه‌ای قرآنی دارد و به معنای گرامی داشتن و احترام کردن است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۱۹۱). تکریم و بزرگداشت مقام و منزلت بزرگان و موجودات مقدس، ریشه در فطرت آدمی دارد. هراندازه معرفت انسان به مقام و میزان قدسیت چیزی بیشتر باشد و هرچه مقام آن والاتر باشد، محبت انسان به آن افزون می‌گردد و هرچه محبت افزایش یابد، ارادت و اطاعت نیز بیشتر می‌شود.

در نظام تربیت دینی، ایمان، نسبت مستقیمی با محبت دارد؛ «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره: ۱۶۵). مهرورزی به خداوند که مبدأ همه کمالات و مقدسات است، کانون همه محبت‌هاست و دوست داشتن دیگر اشخاص، اشیا، افکار و اعمال، در طول محبت خداست.

ایمان به خدا، سه جزء اقرار زبانی، باور قلبی و عمل جوارحی دارد و در سه سطح: درونی، زبانی و عملی شکل می‌گیرد؛ «عن الرضا عليه السلام: الْإِيْمَانُ عَقْدٌ بِالْقَلْبِ وَ لَفْظٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَجْوَارِحِ لَا يَكُونُ الْإِيْمَانُ إِلَّا هَكَذَا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶، ص ۶۵). گام نخست، معرفت قلبی و درونی است. در گام دوم، ایمان با اقرار زبانی و شهادت به وحدانیت خداوند علنی می‌گردد؛ اما در گام سوم، به صورت عینی و عملی، در شمایل مناسک و مراسمی نظیر آیین‌های تکریم اهل

1. Ceremony.



بیت علیه السلام، نمود می‌یابد.

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی آیین، آیین‌های نکوداشت اهل بیت علیهم السلام، هر نوع رفتار فردی و گروهی است که برای ابراز محبت و نکوداشت ایشان صورت می‌گیرد. این آیین‌ها سهم بسزایی در آیین‌های مذهبی، به‌ویژه میان پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام دارند و به صورتی گسترده و متنوع در تمام زوایای زندگی آنان، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند؛ مانند: اعیاد، وفیات، توسلات، تبرکات، زیارات و یادمان‌های مربوط به ایشان.

### معیارهای برگزرای آیین‌های بزرگداشت اهل بیت علیهم السلام

در منابع دینی، مباحث فراوانی وجود دارد که می‌توان معیارهای آیین بزرگداشت مطلوب را از آنها به‌دست آورد. این معیارها عبارت‌اند از:

#### ۱. همسویی با باورهای توحیدی

با توجه به مباحثی که در عناصر فرهنگ گذشت، باورهای اسلامی ریشه دیگر عناصر به شمار می‌روند و باور به توحید، مهم‌ترین چیزی است که دیگر بینش‌ها حول محور آن می‌چرخد. بنابراین، هر اعتقادی که با توحید در تعارض باشد، مردود است:

«قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا (کَهِف: ۱۱۰)؛ بگو: من هم مثل شما بشری هستم؛ [ولی] به من وحی می‌شود که خدای شما، خدایی یگانه است. پس، هرکس به لقای پروردگار خود امید دارد، باید به کار شایسته پردازد و هیچ‌کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.»

این آیه، نشان‌دهنده آن است که اگر در آیین‌های تکریم، باور یا رفتاری از ما سرزند که با بینش توحیدی ناسازگار باشد، باید کنار گذاشته شود. بنابراین، اموری مانند بالا بردن اهل بیت علیهم السلام تا مرز الوهیت یا سجده کردن در مقابل آنان، عقیده‌ای مذموم و رفتاری ناشایست است.

از مهم‌ترین آسیب‌های اعتقادی که به توحید مربوط می‌شود، غلو در مقام اهل بیت علیهم السلام و رساندن ایشان به مقام الوهیت است. صالح بن سهیل می‌گوید:

«كُنْتُ أَقُولُ فِي أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِالرُّبُوبِيَّةِ. فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ، فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيَّ قَالَ: يَا صَالِحُ! إِنَّا وَاللَّهِ عِبِيدٌ مَخْلُوقُونَ، لَنَا رَبُّ نَعْبُدُهُ، وَ إِن لَّمْ نَعْبُدْهُ عَدَبْنَا (ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۴، ص ۲۱۹)؛ من درباره امام صادق علیه السلام قائل به ربوبیت بودم. وقتی بر آن حضرت وارد شدم، تا به من نگاه کرد، فرمود:

ای صالح! به خدا قسم ما بنده‌ای آفریده‌شده‌ایم؛ پروردگاری داریم که او را عبادت می‌کنیم و اگر او را نپرستیم، ما را عذاب می‌کند.»

تعابیر غلوآمیز، چون شائبه شرک دارند، در ردیف مهم‌ترین آسیب‌های اعتقادی، یعنی توحید قرار می‌گیرند. این تعابیر، در برخی اشعار نوحه‌ها و مراثی به‌کار برده می‌شود و شمار بسیار کمی از مداحان نیز آنها را می‌خوانند. تعابیر غلوآمیز، در برخی آثار مکتوب نیز وجود دارد. این نوع اندیشه‌ها، سبب ظهور برخی رفتارهای افراطی و غلوآمیز مانند سجده در پیشگاه و بارگاه اهل بیت علیهم‌السلام نیز می‌شود.

بی‌شک، هیچ‌یک از اهل بیت علیهم‌السلام که به مقام والای خود از همه آگاه‌ترند و در اوج بلاغت و فصاحت سخن گفته‌اند، چنین تعابیری را درباره خود، ائمه دیگر و اولیای الهی به‌کار نبرده‌اند. با مرور معیارهای آیین مطلوب از نگاه منابع دینی، روشن می‌شود که این‌گونه باورها، تعابیر و رفتارهای غلوآمیز، با هیچ‌یک از آنها هماهنگی ندارد، همسو با توحید و منطبق بر ارزش‌های اسلامی نیست و بین جامعه دین‌داران، مقبولیت ندارد. افزون‌بر آن، با شأن اهل بیت علیهم‌السلام نیز متناسب نیست و با سیره و سلوک صالحان نیز همخوانی ندارد.

غلو در زیارتگاه‌ها، گاهی در رفتارهایی همچون سجده در مقابل مرقد مطهر ائمه، نمود پیدا می‌کند. فقهای بزرگوار ضمن فتوا به حرمت سجده برای غیر خدا، گفته‌اند:

«آنچه گروهی از شیعه به شکل سجده نزد قبر امیرمؤمنان، علی علیه‌السلام انجام می‌دهند، نمی‌توان به آسانی برای آن جوازی قائل بود؛ مگر آنکه این عمل، به قصد شکر به درگاه خدای تعالی به دلیل توفیق یافتن بر درک زیارت باشد» (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۸۲).

## ۲. مطابقت با احکام و ضوابط شرعی

ارزش‌های مورد نظر اسلام، معروف و فضایل به‌شمار می‌روند و مقابل آنها، منکر و رذایل است. اگر انجام دادن کارهای خوب و عبادی همراه با آلوده کردن آنها به گناه باشد، از نگاه دین، مردود است. بنابراین، اگر آیین تکریم با برخی منکرات قرین شود، به آن آسیب وارد می‌کند.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ (نساء: ۱۴)؛ و هرکس از خدا و پیامبر او نافرمانی کند و از حدود مقرر او تجاوز نماید، وی را در آتشی درآورد که همواره در آن خواهد بود و برای او، عذابی خفت‌آور است.»  
شارع مقدس، اعمال نیک را با رعایت ضوابط مورد نظرش، از متشرعان خواسته است. پس، این



گونه نیست که انجام دادن مناسک آیینی را کاملاً به خود مردم سپرده باشد؛ بلکه ضوابطی برای آنها وضع کرده است که باید به‌طورکامل، رعایت شود (بقره: ۱۸۷، ۲۲۹ و ۲۳۰؛ نساء: ۱۳؛ توبه: ۱۱۲؛ مجادله: ۴؛ طلاق: ۱).

با توجه به اهداف برگزاری آیین‌های تکریم اهل بیت علیهم‌السلام، زمانی مقاصد مورد نظر دست‌یافتنی است که برنامه‌ها طبق احکام و ضوابط شرعی اجرا گردد و حدود الهی در آنها رعایت شود. روشن است که رفتارهای ناشی از هواوهوس یا اغراض دیگر، آیین‌ها را از کارکردهای مثبتی که دارند، باز می‌دارند و گاهی به نقض غرض می‌انجامند و آنچه به قصد تکریم انجام می‌شود، به توهین و وهن اسلام مبدل می‌گردد.

برای نمونه، رعایت حقوق مردم، اصل قطعی و خدشه‌ناپذیر در زندگی اجتماعی هر مسلمانی است؛ اما گاه به بهانه برگزاری آیین‌های تکریم، حقوق دیگران تضییع می‌شود؛ درحالی‌که بزرگ‌ترین آیات قرآن، درباره حق الناس است (بقره: ۲۸۲). از نگاه اخلاقی، از اذیت و آزار مؤمنان به‌شدت نهی شده است؛ اما امروزه، گاه در برگزاری آیین‌های تکریم اهل بیت علیهم‌السلام، این حقوق نادیده گرفته می‌شود. طولانی شدن برخی از برنامه‌ها و مزاحمت‌های صوتی و غیرمتعارف، نمونه‌هایی از خروج از ضوابط و محدوده‌های شرعی است.

### ۳. استواری محتوایی و ساختاری

متن و محتوای آیین‌های بزرگداشت اهل بیت علیهم‌السلام، معجونی از شکل و محتواست که هریک در جای خود و در ترکیب نهایی، باید از استواری برخوردار باشند تا سوءبرداشت از آنها را به حداقل ممکن برسانند. استواری در متن، به این معناست که همه محتوایی که مطرح می‌شود، معتبر و مستند باشد. همچنین، نمادها و ساختارهای این آیین‌ها طبق دستورهای خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باشند و باعث اصلاح امور جامعه شوند. قرآن کریم به همه مؤمنان سفارش می‌کند:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا دارید و سخنی استوار گوید تا اعمال شما را به صلاح آورد و گناهانتان را بر شما ببخشد و هرکس خدا و پیامبرش را فرمان برد، قطعاً به رستگاری بزرگی نایل آمده است»؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا \* يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» (احزاب: ۷۰-۷۱).

گاهی برخی مداحان و خطیبان برای عرضه معارف اسلامی، به خواب و مکاشفه استناد می‌جویند و گاه به بعضی ملاقات‌های دروغین با امام زمان علیه‌السلام متوسل می‌شوند. این نوع تبلیغ،





مبانی اعتقادی سستی را بنا می‌نهد که به راحتی زوال‌پذیر است. خواب و مکاشفه و حتی رؤیای صادقه، برای بیننده و دیگران حجت شرعی نیست.

از آنجاکه راهی برای اثبات یا نفی خواب و مکاشفه وجود ندارد، می‌تواند به شکل حربه‌ای در دست شیادان برای ترویج دروغ و ایجاد تحریف در عرصه معارف اسلامی به کار رود. از این رو، برخی مطالب و رفتارهای سبک و بی‌ریشه را که چندان با هنجارهای اسلامی سازگاری ندارد، باید در ردیف این نوع آسیب‌ها دانست.

نمونه دیگر اشعار، نوحه‌ها و سبک‌های سبک و تقلیدی که در اعیاد و وفیات مربوط به اهل بیت علیهم‌السلام به کار برده می‌شود که گاه از محتوا و ساختار محکمی برخوردار نیست.

#### ۴. نشانگر زینت و سربلندی اهل بیت علیهم‌السلام

آنچه در آیین‌های تکریم انجام می‌شود، باید بیانگر فرهنگ ارزشمند قرآن و عترت باشد. بنابراین، انجام دادن هرکاری که سرافکنندگی مسلمانان و نارضایتی اهل بیت علیهم‌السلام را در پی داشته باشد، نقض غرض است. اگر آیین‌های تکریم را متعلق به اهل بیت علیهم‌السلام و آنان را صاحب مجلس می‌دانیم، باید باعث سربلندی آن بزرگواران باشیم؛ نه سرافکنندگی ایشان.

بنابراین، هر چیزی که با تعظیم مقام والای اهل بیت علیهم‌السلام منافات داشته باشد، روی گردانی مردم از مکتب ارزشمند قرآن و عترت را در پی دارد و نوعی آسیب خواهد بود. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«مَعَاشِرَ الشَّيْعَةِ! كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا، قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَكُفُّوا عَنِ الْفُضُولِ وَ قَبِيحِ الْقَوْلِ (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۴۰۰)؛ ای گروه شیعیان! همواره زینت ما باشید و مایه ننگ ما نگردید؛ با مردم نیک سخن گوید؛ مراقب زبان خود باشید و آن را از گفتار بیهوده و زشت بازدارید.»

قرآن کریم خطاب به همسران پیامبر می‌فرماید: «ای همسران پیامبر! هرکس از شما مبادرت به کار زشت آشکاری کند، عذابش دوچندان خواهد بود؛ و این، بر خدا همواره آسان است» (احزاب: ۳۰).

#### ۵. انطباق با فطرت و عقل

آیین‌ها غالباً از خرده‌آیین‌های دیگر تشکیل می‌شوند. وجود تعادل و هماهنگی بین اجزا و



مطابقت آنها با امور متعارف، باید مد نظر عوامل اجرایی آیین‌ها باشد. از این رو، افراط و تفریط در این گونه امور و ورود برخی شیوه‌ها و سبک‌هایی که چندان با عقل و فطرت همخوانی ندارد، به آیین‌های تکریم آسیب می‌زند.

از دیگر آفت‌های اعتقادی آیین‌های تکریم اهل بیت علیهم‌السلام، باور داشتن به امور خرافی است. خرافه، از باور به رابطه علی دو چیز ناشی می‌شود که واقعاً با یکدیگر چنین رابطه‌ای ندارند و چه بسا عده‌ای زودباور و ساده‌ لوح نیز با تأیید آن، ادعا می‌کنند خودشان آن رابطه را درک کرده‌اند. باورهای خرافی، برخلاف اعتقاد به امور غیبی، از افکار بی‌اساس سرچشمه می‌گیرند و به شکل رفتارهای ناهنجار بروز می‌کنند. از این رو، از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبران الهی، به‌ویژه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، پیشگیری از اندیشه‌های خرافی و مبارزه با آن در زندگی فردی و اجتماعی مردم بوده است.

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ وَ إِلَّا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ؛ هرگاه در امت من بدعت‌ها ظاهر شود، بر عالم فرض است که علم خویش را [برای مقابله با آنها] اظهار کند؛ وگرنه نفرین خدا و فرشتگان و همه مردم بر او باد» (قمی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۶۳). بدعت، عبارت است از «چیز جدیدی در دین که ریشه در قرآن و سنت ندارد» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۶۳) و از آفت‌های مهم دیگری است که با روح بندگی و اطاعت از پروردگار نمی‌سازد و همواره شریعت‌های الهی را در طول تاریخ با مشکلاتی روبه‌رو کرده است. اسلام و به‌ویژه مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نیز در طول حیات خویش، از این آفت مصون نبوده است. قرآن با خطر بدعت و بدعت‌گذاری، به شدت مقابله نموده و آن را تحریم کرده است. منع جدی بدعت در اسلام، از آن روست که این کج‌روی، نوعی افترا و دروغ بستن بر خداست و از گناهان کبیره و حرام به‌شمار می‌رود. قرآن کریم می‌فرماید:

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَ حَلَالًا قُلْ اللَّهُ أَدْنَىٰ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ (یونس: ۵۹)؛ بگو به من خبر دهید، آنچه از روزی که خدا برای شما فرود آورده، [چرا] بخشی از آن را حرام و [بخشی را] حلال گردانیده‌اید؟ بگو: آیا خدا به شما اجازه داده یا بر خدا دروغ می‌بندید؟»

بنابراین، هر نوع بدعت و یا اقدامی که در آیین‌های تکریم اهل بیت علیهم‌السلام پدید آید و در راستای بندگی و اطاعت‌پذیری از خداوند نباشد، آسیب است و باید از آن پیشگیری شود.

اسلام، دین فطرت، عقل و منطق است. به باور دانشمندان و اسلام‌شناسان بزرگ، همین موضوع، از مهم‌ترین عوامل پیشرفت سریع اسلام بوده است. از نظر قرآن کریم، کسی که فکر دارد، ولی تفکر نمی‌کند و عقل دارد، ولی تعقل نمی‌ورزد، پست‌تر از هر حیوان چشم‌وگوش بسته است که بدون تفکر و تعقل رفتار می‌کند؛ «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (انفال:

۲۲)؛ قطعاً بدترین جنبندگان نزد خدا، کران و لال‌هایی‌اند که نمی‌اندیشند.»

مبارزه با عقاید موهوم، خرافات و رسوم جاهلی، نزد رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از چنان اهمیتی برخوردار بود که ایشان وقتی معاذ بن جبل را به یمن اعزام کرد، به او چنین دستور داد: «ای معاذ! آثار جاهلیت و افکار و عقاید خرافی را از میان مردم نابود کن؛ کوچک و بزرگ سنن اسلام را که همان دعوت به تفکر و تعقل است، احیا کن» (سبحانی، ۱۳۷۷، ص ۲۱).

#### ۶. هماهنگی با سیره صالحان

اولیای الهی و صالحان، در زمان حیات خود نیز برای خدا و دیگر بزرگان الهی، آیین‌ها و مناسکی داشته‌اند. از این رو، اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام برای آیین‌های تکریم، الگویی تمام‌عیارند. اینکه در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «در زیستن و مرگمان، همچون آنان باشیم»، گویای همین حقیقت است. بی‌تردید، ما نه از آنان به مصالح و مفاسد خود و جامعه آگاه‌تریم و نه از ایشان مؤمن‌تر و عابدتر. پس، هر عملی که به نوعی پیشی گرفتن یا پس افتادن از آنها باشد، مردود و آسیب‌زاست. برای نمونه، خداوند حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام و پیروان او را در رویارویی با مظاهر شرک، اُسوه معرفی می‌کند:

«قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لَقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ (ممتحنه: ۴)؛ قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند، سرمشقی نیکوست؛ آنگاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید، بیزاریم. به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه‌ای همیشگی پدیدار شده؛ تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید.»

دعبل خزاعی می‌گوید:

«روز عاشورا خدمت مولایم علی بن موسی الرضا عَلَيْهِ السَّلَام رسیدم. دیدم حضرت غمگین و محزون نشسته‌اند. یاران حضرت نیز که همگی غمگین بودند، اطراف ایشان حلقه زده بودند. وقتی مرا



دیدند، فرمودند: «مرحبا بر تو ای دعبل!» سپس، جایی برای من باز کردند و مرا نزد خود نشاندند. سپس، فرمودند: «ای دعبل! دوست دارم شعری برابم بخوانی که این روزها، روز اندوه ما اهل بیت است!» و فرمودند: «ای دعبل! هرکسی بر مصیبت جدم، حسین علیه السلام گریه کند، خداوند گناهانش را بیامرزد.» آنگاه حضرت بلند شدند و پرده‌ای میان ما و زن‌هایشان زدند و اهل بیتشان را پشت پرده نشاندند، تا بر مصیبت جدشان گریه کنند. سپس، به من فرمودند: «ای دعبل! مرثیه بخوان!» پس، من گریان شدم و اشکم جاری شد و اشعارم را خواندم. امام رضا علیه السلام و اهل بیتشان نیز گریستند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۲۵۷).

با مروری بر سیره انبیا و اهل بیت علیهم السلام، در خواهیم یافت که در هیچ دعا و مناجاتی، تعابیر حقارت‌آمیز برای ابراز تواضع در برابر مقام خداوند سبحان و پیامبر مکرم صلی الله علیه و آله که بهترین آفریده خداست، به چشم نمی‌خورد و در هیچ‌یک از منابع اسلامی، کسی از صحابه را نمی‌شناسیم که در برابر اهل بیت علیهم السلام این‌گونه ارادت و تواضع خود را اثبات کرده باشد؛ زیرا اسلام، عالی‌ترین برنامه‌ها و دستورعمل‌های اخلاقی را دارد.

سیره ائمه اطهار علیهم السلام نشان می‌دهد که ایشان در موقعیت‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، حتی در خصوصی‌ترین جلسات و حالات، به بدترین دشمنانشان نه دشنام گفته‌اند و نه به دیگران اجازه ناسزاگویی داده‌اند؛ بلکه ویژگی آشکار آنها حیا، پاک‌دامنی و بزرگواری، حتی در برابر سرسخت‌ترین دشمنان بوده است.

## ۷. مبتنی بر معرفت و آگاهی

انسان، موجودی است که در کنار تعقل و ابزارهای شناخت، عواطف و احساسات نیز دارد. دین نیز به این مهم توجه داشته، در بسیاری از مناسک و اعمال، احساس و عرفان را در هم آمیخته است؛ زیرا هر یک از آنها، کارکردهای خاص به خود را دارند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود: «العاملُ على غير بصيرةٍ كالتائرِ على غير الطريقِ، ولا يزيدُ شرعةُ السَّيرِ مِنَ الطَّرِيقِ إلا بعداً» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۴۲۱)؛ کسی که عملی را بدون بصیرت و آگاهی انجام دهد، مانند رهروی است که راه را اشتباه پیموده است. از این رو، هرچه تندتر رود، از مقصود دورتر می‌شود.»

تحریک احساسات، همچون تلنگری انسان را بیدار می‌کند و در نهایت، برمی‌خیزاند؛ اما برای جهت‌یابی درست و حرکت مستمر تا رسیدن به مقصد، چراغ پرفروغ‌تری به نام معرفت لازم است.



پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ابن مسعود چنین وصیت می کند:

«إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَاَعْمَلْ بِعِلْمٍ وَعَقْلِ، وَإِيَّاكَ وَأَنْ تَعْمَلَ عَمَلًا بِغَيْرِ تَدْبِيرٍ وَعِلْمٍ، فَإِنَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ: «وَلَا تَكُونُوا كَأَلَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۱۰)؛ وقتی کاری می کنی، آن را با اندیشه و آگاهی انجام ده و برحذر باش که کاری کنی، بدون برنامه ریزی و آگاهی؛ همانا خدای بلندمرتبه می فرماید: و مانند آن [زنی] که رشته خود را پس از محکم بافتن، [یکی یکی] از هم می گسست، مباشید.»

۶۱



عواطف باید در سایه معرفت به کار رود تا آسیبی به آیین های تکریم وارد نشود. بنابراین، معیار دیگر آیین های مطلوب، ایجاد تعدیل در این دو بُعد است؛ زیرا برجسته سازی احساسات و غفلت از بُعد معرفتی دین و زندگی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، خود آسیب های مهلکی را به دنبال دارد و به گمراهی، اتلاف سرمایه ها و سوء استفاده دشمن منجر می شود.

تعادل و توازن میان احساس و معرفت، پیش نیاز ضروری و عامل ماندگاری آموزه های دینی است. افزایش احساس بدون پشتوانه معرفتی، به اندیشه های دینی ضرر می زند. بنابراین، طبیعی است که کارآمدی و اثرگذاری آیین های تکریم اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، مشروط به بهره گیری از همه عناصر و قابلیت هاست.

در سیره اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز نمونه ای نمی بینیم که از غلبه احساسات آنان و در نتیجه، رفتارها و گفتارهای نامتعارف، نشان داشته باشد. پس، اگر احساسات به گونه ای غلبه پیدا کند که آسیب های اعتقادی یا اخلاقی و هنجاری را در پی داشته باشد و انسان مرتکب حرام یا مکروهی شود، چنین احساساتی شایسته نیست.

#### ۸. تناسب با شأن اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام

اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، از جامعیت ویژه ای برخوردارند. در آیین های مربوط به تکریم ایشان، باید به این مهم توجه داشت که شخصیت ایشان به گونه ای مطرح نشود که از سویی، از جنبه الگو بودن خارج شوند و از سوی دیگر، از مقام و منزلت ایشان کاسته شود.

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در وصف ویژگی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام می فرماید: «لَا يُقَاسُ بِأَلِ مُحَمَّدٍ أَحَدٌ...» (شریف رضی، ۱۴۱۴، خطبه ۲)؛ هیچ کس از این امت، با خاندان محمد (علیهم السلام) سنجیده نمی شود.»

بنابراین، باید عملکرد پیروان در آیین های نکوداشت ایشان، به گونه ای باشد که جامعیت و



مرجعیت دینی ایشان نشان داده شود. این موضوع، افزون بر آنکه درباره هریک از اهل بیت علیهم السلام اهمیت دارد، در مورد کلیت زندگی ایشان به عنوان الگوهای کامل انسانیت نیز باید مد نظر قرار گیرد.

تحلیل هایی که با شأن اهل بیت علیهم السلام همخوانی ندارد، نوع دیگری از تحریف در این واقعه سترگ است؛ برای نمونه، می توان به دو کتاب: روضة الشهداء تألیف ملاحسین کاشفی و اسرار الشهادة تألیف ملا آقای دربندی اشاره کرد که مبدأ بسیاری از تحریفات واقعه عاشورا می باشند. در این دو کتاب، انواع مطالب و تحلیل هایی وجود دارد که در منابع کهن و اصلی و در زمان ائمه اطهار علیهم السلام، اثری از آنها نیست.

مواردی همچون: آب خواستن امام حسین علیه السلام از حضرت علی علیه السلام، در حالی که ایشان بر منبر خطبه می خوانده است؛ داستان عروسی حضرت قاسم علیه السلام در روز عاشورا؛ بوسیدن گلوی امام حسین علیه السلام توسط حضرت زینب علیه السلام قبل از رفتن امام به میدان جنگ؛ دادن لقب «بیمار» برای امام زین العابدین علیه السلام؛ حضور مادر حضرت علی اکبر علیه السلام در کربلا یا قصه سر کوبیدن حضرت زینب به محمل و جاری شدن خون، همگی نمونه های تحریفاتی است که اصلاً واقعیت ندارد (ر.ک: نوری، ۱۳۸۸، ص ۲۵۸ - ۲۷۰).

### ۹. توجه به امکان سوء استفاده دشمنان

دشمنان کینه توز اسلام، به دنبال بهانه های اندک که به تحقیر و توهین اسلام و پیروان مکتب قرآن و عترت بپردازند. قرآن و عترت، در مقابل این توطئه ها با کیاست تمام، دست به پیشگیری و اقداماتی اصلاحی زده که یک نمونه آن، تغییر قبله است (بقره: ۱۴۲-۱۵۰).

نمونه دیگر، ممنوعیت مسلمانان از به کار بردن کلمه «راعنا» برای صدا زدن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است؛ زیرا باعث سوء استفاده یهودیان شد. از این رو، قرآن کریم به سرعت مسلمانان را از آن بر حذر داشت. کلمه «راعنا» در ادبیات عرب دو معنا دارد: یکی «رعایت ما بنما و روی خود را به سوی ما برگردان» و معنای دیگر آن نوعی بی ادبی است. خداوند برای پیشگیری از سوء استفاده یهودیان، چنین دستور داد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ \* مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (بقره: ۱۰۴-۱۰۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! مگویید:



«راعنا» و بگویید: «انظرنا» و [این توصیه را] بشنوید؛ و [گرنه] کافران را عذابی دردناک است. نه کسانی که از اهل کتاب کافر شده‌اند و نه مشرکان، [هیچ‌یک] دوست ندارند خیری از جانب پروردگارتان بر شما فرود آید؛ با آنکه خدا هرکه را خواهد، به رحمت خود اختصاص دهد و خداوند، دارای فزون‌بخشی عظیم است.»

این آیه، نشان می‌دهد که وقتی حتی یک کلمه می‌تواند سوءاستفاده دشمنان را در پی داشته باشد، روشن است که مسلمانان باید در برگزاری آیین‌ها بیشتر دقت کنند و بهانه‌ای به دست آنان ندهند. نمونه دیگر، تخریب مسجد ضرار است. گروهی از منافقان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و موافقت آن حضرت را برای ساخت مسجدی با اهداف به‌ظاهر مقدس جلب کردند؛ اما وقتی از پیامبر صلی الله علیه و آله خواستند برای افتتاح آن برود، آیاتی نازل شد (توبه: ۱۰۷-۱۱۰) و پرده از اسرار آنها برداشت. به دنبال آن، پیامبر دستور داد سقف آن مسجد را که از شاخه‌های خرما بود، آتش بزنند و بقایای آن را ویران کنند و جای آن را نیز محلی برای ریختن زباله‌های شهر قرار دهند.

مسجد «ضرار»، به توصیه شخصی به نام «ابوعامر»، برای ایجاد پایگاهی در مدینه با هدف جاسوسی و تبلیغ بر ضد مسلمانان ساخته شد. وی نوید داد که با لشکری از روم به کمک منافقان خواهد آمد و توصیه و تأکید کرد که مرکزی برای او در مدینه بسازند تا کانون فعالیت های آینده‌اش باشد؛ ولی از آنجاکه ساختن چنین مرکزی در مدینه عملاً ممکن نبود، منافقان صلاح را در آن دیدند که زیر نقاب مسجد و به بهانه کمک به بیماران و معذوران، این برنامه را عملی سازند (ر.ک طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۹، ص ۳۹۱-۳۹۲).

ماجرای بنای مسجد ضرار و تخریب آن نیز نشان می‌دهد که حتی مقدس‌ترین مکان‌ها ممکن است با هدف ابزار سوءاستفاده دشمن ساخته شود. از این رو، باید خراب شود. حال، آیین‌هایی که باعث سوءاستفاده دشمنان می‌شوند و قطعاً قداست و ضرورت آنها به اندازه آن مسجد نیست، چه وضعیتی خواهند داشت؟ آیا ادامه دادن آنها، ضررهای جبران‌ناپذیری برای جامعه و کیان اسلامی به دنبال ندارد؟

#### ۱۰. هم‌آوایی با هنجار و عرف جامعه

بخشی از هنجارها، به وسیله محیط اجتماعی ایجاد و تعیین می‌گردد؛ مانند باورها و رفتارهایی که مقبولیت دارد و انجام دادن آنها، سبب محبوبیت میان اعضای جامعه می‌شود و مخالفت با آنها نیز اعتراض‌های رسمی و غیررسمی جامعه را در پی دارد. با توجه به آنچه درباره ویژگی‌های



فرهنگ گذشت، این نوع هنجارها، عموماً به مثابه خرده فرهنگ، همواره در حال تغییر و تحول اند. در آیین های تکریم اهل بیت علیهم السلام، ممکن است خرده فرهنگ های فراوانی، از قبیل: باورها، ارزش ها و هنجارهایی نمود پیدا کنند که عمومیت نداشته باشند و فقط در برخی از محیط های اجتماعی خاص دیده شوند؛ برای نمونه، سبک سینه زنی مناطق مختلف ایران، با هم متفاوت است؛ یا اینکه مراسم طشت گذاری یا نخل گردانی فقط در برخی از مناطق اجرا می شود. چه بسا برگزاری این آیین ها در موقعیت یا مکانی دیگر، ناهنجاری محسوب شود.

امام علی علیه السلام به فرزند خویش می فرماید: «حُسَيْن! إِذَا كُنْتَ فِي بَلَدٍ غَرِيْبًا فَعَايِشِرْ بِأَدَابِهَآ؛ ای حسین! وقتی در سرزمین غریبی بودی، به آداب آنان معاشرت کن...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۲۶۶).

بنابراین، هیچ کس نمی تواند با نمادها رفتاری دستوری داشته باشد. نمادها در حقیقت، اعضای پیکره فرهنگ اند و حذف آنها، به معنای زمین زدن فرهنگ است.

گاه ممکن است نمادی به حکم اولی مشکلی نداشته باشد، اما در برخی مواقع، مصداقی از تشبّه به کفار یا جنبه خرافی پیدا کند و باعث وهن اسلام در اذهان دیگران شود. در این صورت، اگر آن نماد از اصول مسلم اسلام است، باید با تبیین و استدلال محکم از آن دفاع کرد و از سرزنش ها و تمسخر دشمنان نهراسید؛ اما اگر آن نماد، از مسائلی فرعی است، باید بهانه را از دست دشمنان گرفت و با افزودن عناصر بومی به آن نماد، از ایجاد بدبینی یا وابستگی به فرهنگ آنان پیشگیری کرد و اگر ممکن نیست، با مصلحت اندیشی از اصرار بر جنبه های نمادین آن، به ویژه در موقعیت هایی که جنبه های نمادین در آن قابل دفاع نیست و باعث سوء استفاده می شود، صرف نظر کرد.

### نتیجه

با توجه به معیارهای ارائه شده، می توان چنین نتیجه گرفت که پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام که از روی باور به مقام والای ایشان و علاقه وافر به آن حضرات، به منظور تکریم آنان آیین هایی را برگزار می کنند، باید بر اساس معیارهایی که در آیات و روایات آمده، عمل نمایند تا ناخواسته این آیین ها به توهین تبدیل و یا به محرمات دیگر آلوده نشوند. بنابراین، آنچه به نام یا در ضمن آیین های تکریم رخ می دهد، چنان که در چارچوب معیارهای دهگانه باشند، باید آنها را برآمده از





طبیعت تحول‌پذیر فرهنگ دانست؛ اما اموری که از دایره این شاخص‌ها بیرون باشد، قطعاً به عنوان آفت باید از آن پیشگیری نمود و اگر وجود دارد، لازم است برای اصلاح آن چاره‌ای اندیشید؛ به‌ویژه مواردی که با تعداد بیشتری از معیارهای یادشده سازگاری ندارند.

## کتابنامه

قرآن کریم.

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، بی‌تا، مناقب آل اَیِّطالِب، محقق: محمدحسین دانش آشتیانی و سید هاشم رسولی محلاتی، قم، مؤسسه انتشارات علامه.
۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۴ش، ادب فنای مقربان، قم، اسراء.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۲۵ق، اثبات الهداة، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۴. حسینی دشتی، سید مصطفی، ۱۳۷۹ش، معارف و معاریف دائرة المعارف جامع اسلامی، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه.
۵. خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۰ش، صحیفه نور، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.
۶. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳ش، لغت‌نامه دهخدا، مصحح: محمد معین و جعفر شهیدی، چاپ اول، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۷. روح‌الأمینی، محمود، ۱۳۷۶ش، آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز، تهران، آگاه.
۸. سبحانی، جعفر، ۱۳۷۷ش، فرازهایی از تاریخ اسلام، چاپ دهم، تهران، نشر مشعر.
۹. سیوطی، عبدالرحمن ابن ابی‌بکر، ۱۴۰۴ق، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، مکتبه آیه الله مرعشی النجفی.
۱۰. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه، محقق و مصحح: صبحی صالح، چاپ اول، قم، هجرت.
۱۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۳۷۶ش، الأمالی، تهران، کتابچی.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۲ق، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، تفسیر مجمع البیان، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو.
۱۴. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵ش، مجمع البحرین، محقق/مصحح: حسینی اشکوری و احمد مرتضوی، تهران.
۱۵. عبداللهی، محمد، ۱۳۸۱، «آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران»، مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، خردادماه، ج.۱.
۱۶. عمید، حسن، ۱۳۸۹ش، فرهنگ عمید، تهران، شهزاد.



۱۷. قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱ش، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۸. قمی، عباس، ۱۴۳۰ق، سفینه البحار، محقق: مجمع بحوث الاسلامیه، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۹. کرم‌اللهی، نعمت‌الله، ۱۳۹۱ش، «تبیین الگوی مفهومی آسیب‌شناسی وضعیت مسجد در ایران»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۱، تابستان.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الوفاء
۲۱. نوری، میرزا حسین، ۱۳۸۸ش، لؤلؤ و مرجان، قم، بنی الزهراء (سلام الله علیها).



### Criteria for the Legitimacy of the Rituals of Honoring the Ahl al-Bayt (AS)

Hojatollah Bayat\*

#### Abstract

Rituals in any culture are an opportunity to objectify the beliefs, values, and norms that people have learned and believe in that culture. Religious rituals have an important share of the rituals of any culture, in Islamic culture, especially Shiite, the rituals honoring the Ahl al-Bayt have a special place among religious rituals, and they are considered as the most important socio-cultural assets. Muslims should, always respect the Ahl al-Bayt of the Prophet (pbuh), who have a high status and sanctity in Islamic culture. The commemoration of these holy personalities is in the form of rituals that are held on the occasion of: feasts and deaths, prayers, blessings, pilgrimages and memorials related to them. This cultural asset, due to the dynamics of culture, is constantly evolving and developing. However, like other social reserves, it needs protection and prevention of plague. There is no doubt that these rituals must be practiced within the form of religious standards. In order to be safe from personal and unprofessional dealing with cultural developments in the rituals of commemoration, we need to set some criteria. This current paper tries to extract the criteria of legitimacy of the rituals of honoring the Ahl al-Bayt (PBUH) through using verses (of the Qur'an) and hadiths. These criteria are: Being compliant with monotheistic beliefs as well as the rules and regulations of Sharia, having content and structural stability, indication of the beauty and pride of the Ahl al-Bayt (PBUH), being compliant with nature and intellect, having harmony with the conduct of righteous, based on knowledge and awareness, appropriateness with the dignity of the Ahl al-Bayt (PBUH), considering the possibility of being abused by enemies, having harmony with the norm and custom of society.

#### Keywords

culture, sanctities, Ahl al-Bayt (PBUH), rituals, commemoration, criteria.

---

\* Faculty member of University of Qur'an and Hadith. Bayath@qhu.ac.ir